

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:  
Explaining Femininity Elements  
in the Works of Iranian Women Architects  
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

## مقاله پژوهشی

# تبیین مؤلفه‌های زنانگی برگرفته از آثار زنان معمار ایرانی\*

علی یاران<sup>۱</sup>، هانی ارجمندی<sup>۲\*</sup>

۱. دکتری معماری، استاد تمام وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، ایران.  
۲. پژوهشگر دکتری معماری، پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۰۸ تاریخ اصلاح: ۹۸/۱۰/۰۸ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۱۱ تاریخ انتشار: ۹۹/۱۰/۰۱

## چکیده

**بیان مسئله:** امروزه فراهم آوردن یک فضای مطلوب برای افراد، فارغ از زن یا مرد بودن کاربران، نیازمند شناخت کامل معمار از ابعاد فیزیکی، روحی و روانی و اجتماعی مخاطب است. در این میان، گاهی نیازهای زنان، به عنوان نیمی از کاربران فضا، نادیده گرفته می‌شود، زیرا بسیاری از نیازهای زنان، که از ویژگی‌های روحی، روانی و حتی اجتماعی آن‌ها منتج می‌شود، ناشناخته مانده است. نبود شناخت کافی نسبت به نیازهای زنان موجب کاهش میزان رضایتمندی آن‌ها از محیط ساخته شده اطراف خود خواهد شد. فرضیه پژوهش حاضر این است که در برخی از آثار معماری مؤلفه‌هایی وجود دارند که مصداقی از زنانگی طراحان آن‌ها هستند. شناخت این مصادیق که غالباً برگرفته از مفاهیم اندیشه پست‌مدرنیستی بوده و یا توسط خود زنان خلق شده‌اند، بر کیفیت فضا، مخصوصاً مطلوبیت آن برای زنان بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

**هدف پژوهش:** با توجه به فرضیه مطرح شده، هدف این پژوهش معرفی مؤلفه‌های زنانگی در معماری است که بتوان از آن‌ها برای خلق فضاهایی مطلوب زنان بهره برد.

**روش پژوهش:** در بخش‌های مبانی و مفاهیم و مرور تجارب، که در نهایت تولیدکننده مدل پژوهشی پژوهش است، از روش استقرایی و سپس به منظور دستیابی به نتیجه‌هایی از روش دلفی و مصاحبه با خبرگان (۲۸ نفر از معماران زن فعال ایرانی) استفاده می‌شود.

**نتیجه‌گیری:** در نتیجه این پژوهش مؤلفه‌های مادرانگی، آب‌گونگی، بنیادی بودن و ساختاری بودن، به همراه ریزمعیارهایشان، به عنوان مؤلفه‌های زنانگی در معماری امروز زنان معرفی شده‌اند.

**واژگان کلیدی:** جنسیت، زنانگی، پست‌مدرنیسم، مؤلفه‌های زنانه، معماری زنان.

## مقدمه

که انسان از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند دریافت می‌کند؛ یا به تعبیری، آن چیزی است که انسان در هر جامعه‌ای «می‌شود». این «شدن» بسیار به فرهنگ، تاریخ، اجتماع و حتی اقتصاد هر جامعه بستگی دارد. رویکرد اصلی این پژوهش توجه به مفاهیم زنانگی در اندیشه پست‌مدرنیستی است. «دلوز»<sup>۱</sup> و «گاتاری»<sup>۲</sup> دو استعاره ریزوم<sup>۳</sup> و درخت (ریشه) را برای توصیف زنانگی و مردانگی در کتاب «هزار فلات» بیان می‌کنند. زن در نقش ریزوم

مفهوم جنس و جنسیت با هم متفاوت هستند. جنس به تفاوت‌های ذاتی میان زنان و مردان اشاره دارد و جنسیت، به عنوان یک برساخت اجتماعی، هویتی است

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «هانی ارجمندی» با عنوان «تبیین مؤلفه‌های زنانه به منظور افزایش کیفیت فضاهای عمومی شهری (نمونه موردی: شهرهای رشت و یزد) است که به راهنمایی دکتر «علی یاران» در پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر در حال انجام است.

\*\* نویسنده مسئول: honey.arjomandi@gmail.com، ۰۹۱۲۵۹۸۰۰۱۶

در این مسیر اشاره می‌کند. در ارتباط با بحث نقش‌های جنسیتی برخی همچون «گافمن»<sup>۴</sup>، «ریمون بودون»<sup>۵</sup> و «میشل کروزیه»<sup>۶</sup>، فرد را مؤثر بر تغییر نقش می‌دانند و معتقدند مرز میان نقش‌ها جسورانه تعیین نشده بلکه هر نقش دارای دامنه‌ای از تغییرات است. در نتیجه، طبق این فرایند، جنسیت یک ویژگی بیرونی و اکتسابی است، نه یک ویژگی ذاتی و طبیعی (تصویر ۱).

در پژوهشی دیگر، که توسط چینی و همکاران انجام شده است، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که زنانگی و جنسیت علاوه بر عوامل بیرونی، از جمله فرهنگ و صنعت، تحت تأثیر عواملی چون بستر درونی نیز هست؛ یعنی زمینه درونی افراد، به واسطه آگاهی کاذب صنعت فرهنگ، موجب می‌شود مردان و زنان فرهنگ جنسی شده و جنسی زده را بیسندند و در نتیجه آن زنان در دنیایی رقابتی با ترس ازدست‌دادن نقش خود در جامعه، و گاه بدون رضایت قلبی، وارد عرصه‌هایی همچون بازار زیبایی شوند (چینی، هاشمیان فر و محمدی کنگرانی، ۱۳۹۷). رسانه‌ها نیز می‌توانند در دسته آگاهی‌بخشی و تأثیرگذاری بر بستر درونی قرار بگیرند. در سطحی بالاتر «بودریار»<sup>۷</sup> رسانه‌ها را نه تنها نمایانگر، بلکه شکل‌دهنده مجموعه رفتارهای افراد می‌داند که از آن به عنوان واقعیت زندگی یاد می‌شود (بودریار، ۱۳۸۶).

#### • زنانگی و اندیشه پست‌مدرنیسم

شرایط حاکم بعد از دوران مدرن را پست‌مدرن می‌خوانند (Ihab, 1985, 4) که در معادل فارسی به آن فرامدرن و پسامدرن هم گفته می‌شود. یکی از جنبش‌های فکری‌ای که در دوران پست‌مدرن ایجاد شد و پرورش یافت فمینیسم بود. در واقع، پست‌مدرنیسم، با پرداختن به مفاهیم ماهیت و منشأ، باعث ایجاد این نگرش نو شد (مشیرزاده، ۱۳۸۵). این نگرش به‌خصوص در نیمه دوم قرن بیستم با ایجاد دانش‌رهای بخش به سمت هویت‌بخشیدن به زنان در جامعه مردسالار صورت گرفت. در این دوران، نگرش اصلی فمینیسم دفاع از حقوق زنان با بینش معرفتی و سیاستی بود. در واقع فمینیسم پست‌مدرن زیرساخت‌های معرفت‌شناختی، از جمله نژادپرستی و جنسیت‌گرایی، را در جامعه غربی به چالش کشید (Zalewski, 2000) و اهداف خود را در سایه

در حاشیه مرکزیتی مردانه، برای دوردن از مرکز و رهایی از انحصار یک جنس تلاش می‌کند. این تلاش برای فرار از یکی بودن و وحدت و حرکت به سمت شدن‌های متفاوت و تکثر است. «زن‌شدن» زایش ریزوم و در پی آن ایجاد شبکه‌های ناهمگون، غیرسلسله‌مراتبی، سیال و در عین حال مربوط و سازگار را به دنبال دارد (یعقوبی، ۱۳۹۳، ۷۸). این در صورتی است که زن‌شدن و زنانگی مستقیماً به یک تعریف واحد نمی‌رسد و تعاریف چندگانه‌ای براساس زمینه آن از جمله ساختارهای اجتماعی وجود دارد.

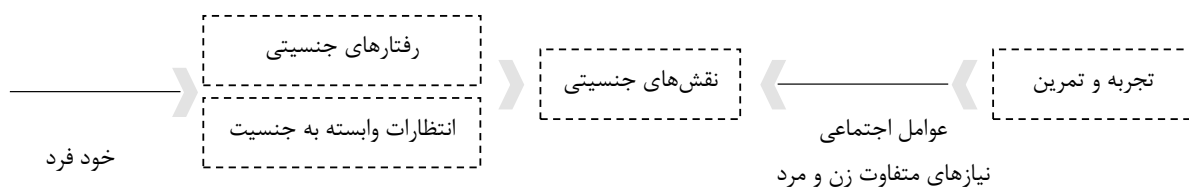
اهمیت بررسی مفهوم زنانگی به عنوان یک مبحث مستقل به شکل‌گیری سؤالات این پژوهش به شرح زیر انجامیده است: - مؤلفه‌های زنانگی در معماری کدامند؟ (مدل مفهومی پژوهش)

- مؤلفه‌های زنانگی در معماری زنان معمار ایرانی کدامند؟

### مبانی نظری

#### • مفهوم جنسیت و زنانگی

در نگاه جامعه‌شناختی، جنس - نر و ماده - به تفاوت زیست‌شناختی بین بدن‌ها، و جنسیت - مردانه و زنانه - به ساختار اجتماعی مجموعه‌ای از تفاوت‌ها بین مردها و زن‌ها اشاره دارد. جنسیت را می‌توان تصویر کلان اجتماعی از هنجار «زنانگی» و «مردانگی» تعریف کرد. این در حالی است که در مقوله «جنس» خاستگاه‌های زیستی و تفاوت‌های زیست‌شناختی زنان و مردان بررسی می‌شود. تفاوت‌های جنسی عموماً منتج از تفاوت‌های طبیعی و ساختمان اولیه جسم تلقی می‌شوند؛ درحالی‌که تفاوت‌های جنسیتی، گرچه بر پایه تفاوت‌های جنسی استوارند، از طرق اجتماعی، فرهنگی و تاریخی به وجود می‌آیند که در خلال زمان و مکان دست‌خوش تغییر می‌شوند (فرزانه، ۱۳۹۰). خسروی (۱۳۸۲، ۸۵) این تفاوت‌ها را وابسته به تغییر رفتار و در پی آن تجربه و تمرین می‌داند. در این میان نقش‌های جنسیتی قرار دارند که وابسته به عوامل اجتماعی و طبق نظر نرسیسیانس (۱۳۸۳) مؤثر بر رفتارهای جنسیتی و انتظارات مبتنی بر جنسیت هستند. خانی (۱۳۸۵، ۲) نیز به نیازهای متفاوت زنان و مردان به عنوان عاملی مؤثر



تصویر ۱. فرایند شکل‌گیری رفتارهای جنسیتی. مأخذ: نگارندگان.

نظریه «مردان و زنان با تعریف جدید» دنبال کرد. در این نگرش حتی روایات و داستان‌هایی که در جامعه رایج است نیز بر تمایز میان زن و مرد تأثیر می‌گذارد.

پست‌مدرنیسم با تردید در روایت‌های مهم و کلان همچون خرد، حقیقت، زیبایی، هنر و علم بر این باور است که متافیزیک غربی و رشد تکنولوژیک از جمله عواملی هستند که باید، به عنوان عوامل تأثیرگذار، در تحلیل مسائل و مقولات اساسی حیات بشری، از جمله «هویت زن»، مورد توجه قرار گیرند. البته موقعیت تاریخی پست‌مدرنیسم پیچیده است؛ چنان‌که عصر مدرن و پست‌مدرن به دلیل عدم تطابق زمانی فی‌مابین، به گونه خاصی به هم مربوط می‌شوند. پست‌مدرنیسم ریشه در عصر مدرن دارد؛ اما این دو در مواردی نیز با هم تعارض و اختلاف دارند؛ از جمله می‌توان به تعارض و گسیختگی در حیات بشری و غلبه طبقاتی از مردم بر طبقات دیگر و بحران‌های هویتی اشاره کرد. پست‌مدرنیسم به‌طور اساسی مفاهیمی چون منشأ، ماهیت و سرشت را زیر سؤال می‌برد و در نتیجه، زمینه را برای ورودی جدید به مبحث فمینیسم فراهم می‌کند. فمینیست‌های پست‌مدرن با تأکید بر مصنوعی بودن بدن، جنس، نژاد و توانایی جنسیتی زنان، چالش‌های جدیدی را در این عرصه پدید آورده‌اند (سجادی، ۱۳۸۴، ۱۰).

پیرو تأثیر نگرش پست‌مدرن بر فمینیسم، اعتراضات زنان برای رسیدن به برابری اوج گرفت (همان، ۲۲). مبحث زنانگی در اندیشه پست‌مدرن، تلاشی برای بازشناسی مفهوم عدالت بوده و دلوز، به عنوان یک فیلسوف پست‌مدرن، از جایگاه متفاوتی این مسئله را مورد واکاوی قرار داده است. وی زنانگی را امری قطعی نمی‌داند، زنانگی از منظر وی «بودن» نیست و «شدن»‌های پیاپی است؛ همچون مفهوم «گیاه ریزوم». در این تعریف مفاهیمی چون حرکت در سطح افق، بدون وجود سلسله‌مراتب از مهم‌ترین مفاهیم است. زندگی کولی‌وار ایلیاتی را نیز می‌توان مفهومی زنانه انگاشت؛ رفتاری در مقابل محدودیت و سکون و مؤکد حرکت و سیالیت. شدن‌های پیاپی گیاه ریزوم و گریز از بودن به معنای تکثرگرایی و زایش است. این مفاهیم را می‌توان در کنار مفاهیم دیگری که پسا فمینیسم از زنانگی بیان می‌کند، از جمله وابستگی متقابل، اجتماع، ارتباط، اشتراک‌گذاری، عاطفه، اعتماد، فقدان سلسله‌مراتب، طبیعت، درونمان، لذت، صلح و زندگی، مصادیق جدیدی از زنانگی دانست (یعقوبی و مقدس یزدی، ۱۳۹۵، ۵۱۹).

«ژاک دریدا»<sup>۸</sup> فیلسوف فرانسوی، دلوز را چنین توصیف می‌کند: «او فیلسوفی بود که فلسفه را با زندگی درآمیخت و آن را شادمانه ساخت.» در این توصیف دو ویژگی مهم «درآمیختن با زندگی» و «شادمانه ساختن» به چشم

می‌خورد. دریدا، با مطرح کردن فلسفه «دیکانستراکشن»<sup>۹</sup>، معماری‌ای را رواج داد که طغیانگر و سرکش بود. در این نوع معماری رهایی از نظام درخت‌وار تا مرگ مؤلف و رسیدن به برداشت آزاد توسط بیننده پیش می‌رود و این معماری در مجازی‌سازی به اوج خود می‌رسد و با اندیشه افقی فلاسفه، که «نیچه»<sup>۱۰</sup> آن را مطرح کرد و دلوز به تشریح آن پرداخت، هماهنگ است. «دلوز» زنانگی را درآمیختن علوم، فلسفه و هنر با زندگی، به موازات یکدیگر معرفی می‌کند. از طرفی دیگر این اندیشه به تمایز میان زنانگی و مردانگی می‌پردازد؛ به عنوان مثال، زایش، گریز از بودن و تکثر را از خصایل زنانه می‌خواند. به طور کلی، دلوز در تعریف زنانگی در اندیشه خود، نظام درخت‌وار پیش از خود را رد می‌کند.<sup>۱۱</sup>

پس از دهه ۷۰ قرن بیستم، گروهی با نام فمینیست‌های جدید و متأثر از دیدگاه‌های پست‌مدرنیستی ظهور کردند که با تکیه بر روان‌شناسی رفتارگرایانه بر حفظ زنانگی و ویژگی‌های زنانه تأکید می‌ورزیدند. فمینیسم پست‌مدرن را می‌توان به‌نوعی نقد گرایش‌های افراطی فمینیست‌های دیگر دانست. فمینیست‌های پست‌مدرن به تفاوت‌های میان زنان تأکید داشتند و بر این اساس می‌گفتند: «آنچه برای برخی زنان قابل تصور است، شاید برای زنان دیگر غیرقابل دسترسی باشد». آنان باورهای فمینیست‌های افراطی را غیرواقعی خواندند و حتی آن را نوع جدیدی از ستم بر زنان معرفی کردند. علت چنین نظری را غفلت فمینیست‌های افراطی از تفاوت شرایط زنان مانند در نظر گرفتن شرایط جوامع مختلف و اختلاف فرهنگ‌ها توصیف کردند. به دیگر سخن، نظریه محوری فمینیست‌های پست‌مدرن، رد مطلق‌انگاری تجویز شده‌ای است که دیگر فمینیست‌ها بنا نهادند و پذیرش نسبی‌انگاری شرایط زنان در جوامع مختلف است. آنان معتقدند تلاش در راه ارائه تفسیری واحد، کلی و جهان‌شمول از نظریه فمینیستی راه به جایی نخواهد برد (رکنی لموکی، ۱۳۸۵، ۷۰).

پسا فمینیسم دو مفهوم «زنانگی» و «مردانگی» را جایگزین «زنان» و «مردان» می‌کند و، در عین پذیرفتن تفاوت‌ها، این دو را مکمل یکدیگر می‌داند. این دو مفهوم به دور از جنس فیزیولوژیکی افراد و در فرایند اجتماعی شدن آن تعریف می‌شود. دیدگاه پسا فمینیسم نقد غلبه مردانگی و مبارزه با آن است و نه مخالفت با جنس مرد، زیرا خصلت مردانگی نه تنها مربوط به مردان است، بلکه در یک محیط اجتماعی سازگار می‌تواند زنان را نیز دچار خود کند. از جمله ویژگی‌های مردانه می‌توان به عدم وابستگی، استقلال، خرد، اراده، سلسله‌مراتب، تسلط، فرهنگ، تعالی، زهد، جنگ و مرگ اشاره کرد و در مقابل آن ویژگی‌های فرهنگی زنانه،

مردان و زنان در طول تاریخ و در جوامع مختلف بوده است. در معماری هم، که فرم در واقع همان لحن و بیان مفهوم و محتواست، به شیوه معماری، شاهد تفاوت‌های بسیاری در شیوه پاسخ‌گویی به مسائل و لحن معماری در زنان هستیم. شاید بهتر باشد به عنوان یکی از اثرگذارترین معماران زن «زاحا حدید»<sup>۱۳</sup> را مثال بزنیم که حرکت و انعطاف‌پذیری در اغلب طرح‌هایش قابل ملاحظه است و با خلق سازه‌های حسی و سیال در فضا و ستیز با جاذبه توانسته است برداشت انسان را از فضا تغییر دهد (Baer, 2005). در ادامه معماری و نگرش وی در این حوزه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

#### • مؤلفه‌های زنانگی در معماری

«توی»<sup>۱۴</sup> با اشاره به زبان زنانه در معماری آن را زبانی معرفی می‌کند که حاوی خصلت‌های مؤنث و در تلاش برای برهم‌زدن ساختار مردسالارانه است. در پی این نگرش، معماری ارگانیک و تغییر از درون به بیرون مطرح می‌شود که در زیرمجموعه دیدگاه زنانه و در مقابل دیدگاه مکانیکی مردانه قرار دارد (توی، ۱۳۸۸، ۱۲). در زمان حال، که تاریخ در حال نوعی واسازی است که تا به حال تجربه نکرده است، دو نوع نگاه به تغییرپذیری فرم در معماری تحت عنوان ارگانیک و مکانیکی وجود دارد. تغییرپذیری ارگانیک که از درون اتفاق می‌افتد و همه اجزا را به طور هماهنگ درگیر می‌کند (نوعی زبان زنانه در معماری) و برعکس تغییرپذیری مکانیکی که می‌توان نگاه مردانه را در آن دید، درگیر نظام و ساختار و فاقد هر نوع پویایی، حرکت و زایایی است. فرم در حالت ارگانیک هر دم در حال تغییر و تحول و به دنبال نظمی جدید در شرایط تازه است. در واقع، در این حالت فرم والای منطقی جاافتاده رد می‌شود (علیزاده گوهری و فروزنده، ۱۳۸۹، ۱۰).

در مطالعاتی که توسط سایر پژوهشگران صورت گرفته است معماری زنان ارگانیک، متغیر از درون (منعطف)، ساختارشکن، پویا و در حال تغییر با ماهیت ثابت، سیال، ضد دگماتیسم و متحرک دانسته شده، و در مقابل، معماری مردان مکانیکی، قراردادی، تابع نظام و ساختار، فاقد زایایی و حرکت، ساکت و ثابت، جزم‌اندیش (دگم) و محصورگرا خوانده شده است.

به طور کلی، نسبت دادن مؤلفه‌های نام‌برده به معماری زنان به معنی نبودن این مؤلفه‌ها در آثار مردان نیست، بلکه میزان اشتراک آن‌ها در آثار زنان بیشتر دیده شده است. از جمله، «کندی» معتقد است نمی‌توان تعریف روشن و دقیقی برای این دو معماری (زنانه و مردانه) بیان کرد، اما تشخیص میان اصول معماری زنان و مردان شاید کار ساده‌تری باشد (Kennedy, 1981). برای تعریف این تفاوت‌ها

از جمله وابستگی متقابل، اجتماع، ارتباط، اشتراک‌گذاری، عاطفه، اعتماد، فقدان سلسله‌مراتب، طبیعت، درونمان، لذت، صلح و زندگی، است (مشیرزاده، ۱۳۸۳، ۵۸). دلوز در مقابل نوشته‌های دوپهلوی نیچه در بحث زنانگی، مفهوم مرکزیت حاکم بر تفکر غرب را نقد می‌کند و این نگرش درخت‌گونه را در کتاب «هزار فلات» به چالش می‌کشد و اندیشه‌ی کسانی چون نیچه، فوکو و دریدا را دارای رویکردی ریزوم‌گونه، بدون سلسله‌مراتب و افقی می‌داند (همان، ۷۹).

#### • زنانگی و معماری پست‌مدرن

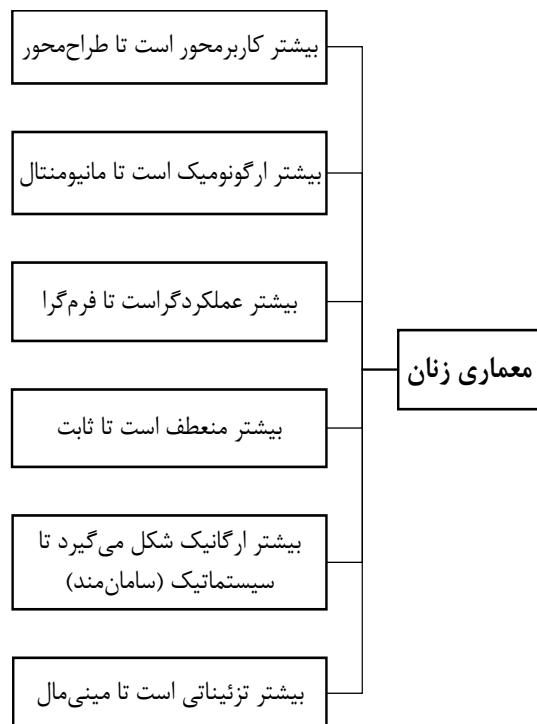
«لوس ایریگاری»<sup>۱۵</sup> اندیشمند فمینیست، از طبیعت، عاطفه، تخیل، محسوسات، سیالیت و ایدئولوژی به عنوان عناصری نام می‌برد که می‌توانند زمینه‌ساز ترکیب زبان زنان و زبان معماری (فضای معماری) باشند (بصیرت، ۱۳۹۲، ۳۳). از مطالعات اندیشمندان فمینیست و پست‌مدرنیست می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که عناصری همچون طبیعت، سیالیت، عدم تمایل به الگوبرداری و عدم تمایل به مرکزگرایی را می‌توان به عنوان مؤلفه‌هایی برشمرد که در آثار زنان مشخص‌تر و آشکارند و می‌توان آن‌ها را اشتراکات آثار زنان در حوزه معماری پست‌مدرن دانست. همچنین، می‌توان طبیعت را به عنوان فصل مشترکی در میان آثار اندیشمندان و برخی معماران زن و به عنوان یک عنصر زنانه معرفی کرد (ارجمندی و یاران، ۱۳۹۵، ۸).

تفاوت بیان ایده، یا به عبارتی تفاوت در «لحن» زنان، بیانگر همان مؤلفه‌هایی است که در اینجا مؤلفه‌های زنانگی نامیده شده‌اند. هرچند امکان دارد فرایند رسیدن به جواب در طراحی یا خلق اثری هنری، برای زنان و مردان، از مجرایهای یکسانی بگذرد و گاهی حتی از محتوای یکسانی برخوردار باشد، اما در مرحله بیان گاه تفاوت بسیار فاحشی بین آثار زنان و مردان وجود دارد. برای مثال، در حوزه شعر می‌توان دو اثر «زمستان است» سروده «مهدی اخوان ثالث» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» سروده «فروغ فرخزاد» را در نظر آورد. در این دو اثر، با دو شیوه کاملاً متفاوت، در بهره‌گیری از خصوصیات فصل زمستان و توصیف آن‌ها برای بیان مفهوم موردنظر شاعر روبه‌رو می‌شویم. توصیفات، تصویرسازی‌ها، کاربرد کلمات، شور و احساس جاری، در یکی به‌شدت ملهم از خصوصیات مردانه و در دیگری به‌شدت زنانه‌اند. همین‌طور، در نقاشی می‌توان از آثار «غزاله سینیایی» نام برد که خطوط، رنگ‌ها و اشکال تابلوهایش در مقایسه با نمونه‌های کارشده توسط مردان نقاش با همان محتوا و معنا، زن‌بودن خالق خود را با تمام وجود فریاد می‌زنند. این تفاوت شاید غیرارادی در لحن، گاه تأثیر عمیقی بر میزان جذابیت مفهوم منتقل‌شده داشته و ابزار مناسبی جهت بیان سرخوردگی‌ها و نابرابری‌های

علیزاده گوهری و فروزنده (۱۳۸۹) حرکت در معماری حدید را متأثر از جریان «روح زمانه» هگلی<sup>۱۵</sup> در آثار وی می‌دانند. آثاری به دور از تقلید و وابستگی به گذشته، که آزاد و جسورانه و به شکلی بی‌ثبات و پیچیده برای زمان خود خلق شده‌اند و تعریفی جدید از زمینه، جداره و ارتباط بین سطوح ارائه می‌دهند که با آنچه پیشتر دیده شده متفاوت است. در تعریفی که از تعمیم زنانگی بر معماری منتج می‌شود، مفاهیمی چون نقد مرکزیت، پویایی، حرکت و طبیعت به دست می‌آیند.

همچنین نتیجه مطالعات کندی در این حوزه نشان می‌دهد که معماری زنانه اقتصادی‌تر، انسان‌محورتر، منعطف‌تر، ارگانیک‌تر، عملکردگراتر، کل‌نگرتر، و دارای رویکرد تزئیناتی و با مقیاس انسانی بیشتر است (Kennedy, 1981). «ترلیندن» نیز برای یافتن عناصر زنانه در معماری، به مقایسه آثار چهار تن از معماران پیشگام در سبک‌ها و دوره‌های مختلف پرداخته است؛ «آیلین گری»<sup>۱۶</sup>، معمار سبک مدرن و هم‌دوره با لوکوربوزیه (که سابقه همکاری مشترک با لوکوربوزیه را نیز داشته است)، «لوسی هیلبرانت»<sup>۱۷</sup>، معمار سبک کلاسیک آلمانی در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی، «ایتسوکو هاسه‌گاوا»<sup>۱۸</sup>، معمار سبک های‌تک، و «زاحا حدید» معمار سبک واساخت‌گرا. اگرچه سبک معماران نام‌برده و همچنین دوران زندگی‌شان با هم متفاوت بوده، اما کماکان مؤلفه‌های مشترکی میان آثار این چهار معمار پیشگام یافت شده است، که از جمله آن‌ها می‌توان به انعطاف‌پذیری، سیالیت، هماهنگی با طبیعت، وابستگی به سایت، پویایی، شفافیت، و بی‌اعتقادی به معماری از پیش تعیین‌شده اشاره کرد (ترلیندن، ۱۳۹۴). هر معمار راه و روش خاصی را برای خود برمی‌گزیند، راهی که نه تنها تأمین‌کننده نیازهای کالبدی، فیزیکی، روانی و حسی مخاطب باشد، که رضایت خود معمار را نیز در برداشته باشد. هر طراح، خواه معمار، نقاش یا صنعتگر که به هر طریقی ارتباطی بصری با مخاطب برقرار می‌کند، در خلق یک اثر درگیر جریانات بغرنجی از رد، انتخاب و سنجش می‌شود (داندیس، ۱۳۸۰، ۱۵۳). معماری در هر دوره، از یک‌سو شامل برآیندی از مجموعه ارزش‌ها و اندیشه‌های موجود در مکان، زمان، و جامعه و از سوی دیگر مبتنی بر عقاید و ایده‌های ذهنی و فردی طراح است. بر این مبنا، فرد طراح با استفاده از ارزش‌های یادشده و با عنایت به آزادی‌اش در انتخاب فرم، طرحی خلاق را به وجود می‌آورد (علیزاده گوهری و فروزنده، ۱۳۸۹، ۶). معمار استراتژی‌های متعددی را برای آفرینش معنا در کارش به‌کار می‌برد. با این وصف باید گفت که هر اثر هنری نتیجه شگردهایی است که آگاهانه یا ناآگاهانه در اثر به‌کار رفته‌اند؛ بنابراین،

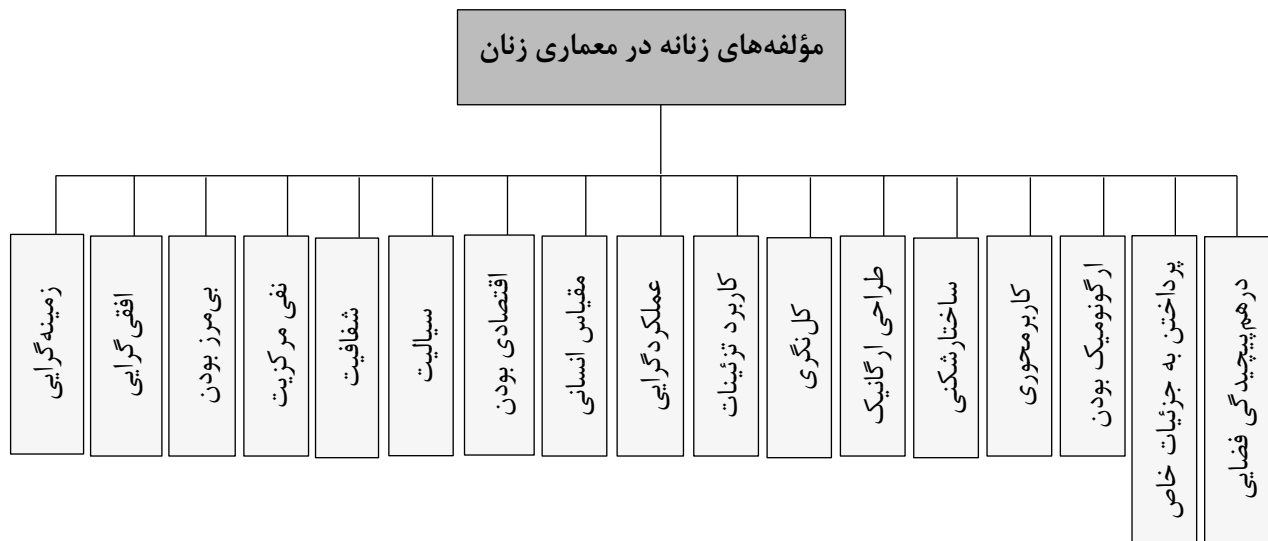
می‌توان از صفت تفصیلی «بیشتر» استفاده کرد، یعنی تنها یک «تر» تفاوت میان آثار معماری زنان و مردان است. برخی از این مؤلفه‌ها در تصویر ۲ معرفی شده‌اند. از مؤلفه‌هایی که از مفهوم ریزوم (رویکرد فلاسفه پست‌مدرن همچون دلوز و دریدا در تبیین زنانگی) در معماری پست‌مدرن نیز نمود پیدا کردند می‌توان به حرکت در سطح افق، زمینه‌گرایی، نفی مرکزیت، بدون مرز بودن، درهم‌پیچیدگی فضایی و سیالیت اشاره کرد؛ مؤلفه‌هایی که در آثار زاحا حدید بسیار دیده شده‌اند و چه‌بسا معرف آثار وی هستند. افشار نادری (۱۳۷۹، ۹) به حرکت (پویایی) و انعطاف‌پذیری در آثار حدید اشاره می‌کند که وجه اشتراکی میان اثر و خلاقیت به شمار می‌رود. به گفته حدید وقتی با سرعت از فراز قلمروی افقی می‌گذریم این امکان را پیدا می‌کنیم که فضا و ایده‌هایی را که به فضا مربوط می‌شوند بشناسیم و آن وقت است که حرکت و انعطاف‌پذیری نقش مهمی پیدا می‌کنند. حدید حرکت در معماری را در ارتباط مستقیم با پیشرفت فناوری می‌داند. بر این اساس، معماری از سکون به سمت حرکت در حال تغییر است، در نتیجه نمی‌توان برای هر یک از عناصر ساختمان مکانی مشخص پیش‌بینی کرد و یا از یک جنبه به اثر نگاه کرد. این در ارتباط مستقیم با خصلت زنانه ضد دگماتیسم و محصورگری مردانه است که در پی شکست حس تملک، تصرف و استواری است.



تصویر ۲. ویژگی‌های معماری زنان. مأخذ: Kennedy, 1981, 75.

نام معماری زنان را ارتقا بخشید و با ویژگی‌هایی از جمله افقی‌گرایی، سیالیت و پویایی در آثارش شناخته می‌شود (جدول ۳). «آماندا لوت»<sup>۱۱</sup>، معمار انگلیسی، که برنده بسیاری از جوایز معتبر معماری شده است، و زمینه‌گرایی، سیالیت و پویایی از جمله ویژگی‌های عمده آثارش هستند (جدول ۴). «فرشید موسوی»، معمار ایرانی‌الاصول ساکن آمریکا، که کانسپت را از مهم‌ترین ارکان طراحی می‌داند و مردم‌محوری و زمینه‌گرایی را در پروژه‌هایش به کار می‌بندد (جدول ۵). «دورت مندراپ»<sup>۱۲</sup>، معمار دانمارکی موفق که نحوه استفاده مفهومی (کانسپچوال) از فرم و متریا، آثار او را از دیگر معماران متمایز ساخته است، و همسویی با طبیعت، پرداختن به جزئیات و بی‌مرزی از مهم‌ترین ویژگی‌های آثارش هستند (جدول ۶). «گیسو حریری» و «مژگان حریری»، معماران ایرانی‌الاصول ساکن آمریکا، که پروژه‌های موفق بسیاری را در ایران و جهان انجام داده‌اند، و توجه به مقیاس انسانی، همسویی با طبیعت، بدون مرز بودن و انعطاف‌پذیری از دغدغه‌های اصلی آن‌هاست و همچنین مهم‌ترین باور این دو معمار توجه به مفاهیم پایداری در معماری بوده است (جدول ۷). «جین گنگ»<sup>۱۳</sup>، معمار آمریکایی، که همخوانی با طبیعت را به عنوان مهم‌ترین دغدغه در آثارش نشان داده است و همچنین حرکت، پرداختن به جزئیات و توجه به مقیاس انسانی مؤلفه‌های غالبی هستند که در آثارش دیده می‌شوند (جدول ۸). «آمل آندروس»<sup>۱۴</sup>، معمار لبنانی‌الاصول، که در آمریکا نه تنها به طراحی، بلکه به تدریس معماری مشهور است، و از مؤلفه‌های غالب در آثارش، شفافیت، زمینه‌گرایی، عملکردگرایی و پرداختن به جزئیات را می‌توان

کار درستی است که برای کشف شگردهایی که معماران زن در آثارشان استفاده می‌کنند از خودشان شروع کنیم (احمدی، ۱۳۸۲، ۷۳). به بیان دیگر، مؤلفه‌های زنانه مؤلفه‌هایی هستند که با روحیات زنانه همسوتر بوده و موجب ایجاد رضایتمندی بیشتر برای زنان می‌شوند؛ اما به دلیل پراکندگی و کم‌بودن منابع، برای تبیین این مؤلفه‌ها لازم است تحلیل بیشتری انجام شود. با توجه به نظر صاحب‌نظران این حوزه، مؤلفه‌های ارائه‌شده در تصویر ۳ را می‌توان به عنوان مؤلفه‌های زنانه اولیه (سنجه‌های اولیه پژوهش) در نظر گرفت. در ادامه این پژوهش، به منظور معرفی این مؤلفه‌ها به عنوان مؤلفه‌های زنانه، یک تحلیل دو مرحله‌ای صورت خواهد گرفت. در مرحله اول، وجود مؤلفه‌های یادشده در آثار معماری زنان بررسی و در مرحله دوم با انجام آزمون دلفی و مصاحبه با خبرگان، مدل نهایی مؤلفه‌های زنانگی در معماری ارائه خواهد شد. برای این منظور پنج اثر از مؤثرترین و مهم‌ترین آثار ۱۰ معمار زن برجسته را بررسی و مورد واکاوی قرار داده‌ایم. این معماران، که در وب‌سایت‌های برتر رتبه‌بندی از آنان به عنوان زنان تأثیرگذار معماری معاصر یاد شده است، در ادامه به اختصار معرفی می‌شوند. زاحا حدید، که همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، پویایی، انعطاف‌پذیری و درهم‌پیچیدگی فضایی از مهم‌ترین عناصر کارهای اوست (جدول ۱). «کازوو ساجیما»<sup>۱۵</sup>، معمار ژاپنی، که در سال ۲۰۱۰ موفق به دریافت جایزه پریترکر شد، و زمینه‌گرایی، نور و شفافیت از مهم‌ترین عناصر قابل دید در آثارش هستند (جدول ۲). «اودیل دک»<sup>۱۶</sup>، از معماران موفق فرانسوی، که



تصویر ۳. سنجه‌های اولیه پژوهش؛ مؤلفه‌های زنانگی در معماری. مأخذ: نگارندگان.

۱ تا ۱۰، مؤلفه‌های مشترکی را می‌توان استخراج کرد که می‌توانند مبین زنانگی این پروژه‌ها باشند. از جمله این مؤلفه‌ها کاربرمحور بودن، پرداختن به جزئیات خاص، انعطاف‌پذیری، توجه به مقیاس انسانی، طراحی ارگانیک، سیالیت، شفافیت، پویایی، بدون مرز بودن و افقی‌گرایی را می‌توان برشمرد که فراوانی هر یک را در آثار معماران مذکور می‌توان در یک ماتریس بررسی کرد (تصویر ۴). نتیجه تجزیه و تحلیل صورت گرفته به دست آوردن مؤلفه‌های مشترک حداکثری است. گام بعدی به دست آوردن سنجه‌های

نام برد (جدول ۹). و در پایان، «تاتیانا بلبائو»<sup>۲۵</sup>، معمار مکزیکی، که مهم‌ترین دغدغه‌اش پایداری در معماری بوده است، و مؤلفه‌هایی چون اقتصادی بودن، انعطاف‌پذیری و عملکردگرایی در بیشتر کارهای این معمار دیده می‌شوند (جدول ۱۰). معماران معرفی شده، معماران منتخب در این تحلیل هستند که پس از تحلیل ویژگی‌های آثارشان در جداول ۱ تا ۱۰، به کشف مؤلفه‌های مشترک میان آن‌ها خواهیم پرداخت. در نتیجه تجزیه و تحلیل پروژه‌های منتخب در جداول

جدول ۱. تجزیه و تحلیل ۵ اثر منتخب از زاحا حدید. مأخذ: نگارندگان.

زاحا حدید					نام معمار
Puhui Office Design	Morpheus Hotel	Napoli Afragola Station	AD Classics: Vitra Fire Station	Nanjing International Youth Cultural Centre	عنوان اثر منتخب
					تصویر اثر
سیالیت فضایی، زمینه‌گرایی، هماهنگی با طبیعت، انعطاف‌پذیری، پویایی، افقی‌گرایی، درهم‌تنیدگی فضایی، بدون مرز بودن، مقیاس انسانی					مؤلفه‌های منتخب از آثار

جدول ۲. تجزیه و تحلیل ۵ اثر منتخب از کازوو سچیمما. مأخذ: نگارندگان.

کازوو سچیمما					نام معمار
Rolex Learning Centre	The Louvre Lens	The River	Reflective Serpentine Gallery Pavilion 2009	Sumida Hokusai Museum	عنوان اثر منتخب
					تصویر اثر
شفافیت، سیالیت، درهم‌تنیدگی داخل و خارج، نگاه به بافت و بستر، توجه به جزئیات، ابعاد و مقیاس انسانی، افقی‌گرایی، نفی مرکزیت					مؤلفه‌های منتخب از آثار

جدول ۳. تجزیه و تحلیل ۵ اثر منتخب از اودیل دک. مأخذ: نگارندگان.

اودیل دک					نام معمار
The Opera Garnier Restaurant	GL Events Headquarters	Saint-Ange Residency	Fangshan Tangshan National Geopark Museum	FRAC Bretagne Museum	عنوان اثر منتخب
					تصویر اثر
شفافیت، ارتباط با طبیعت، استفاده از رنگ‌های گرم، سیالیت، پویایی، نفی مرکزیت، توجه به جزئیات، فضاهای درهم‌پیچیده، افقی‌گرایی، پویایی، مقیاس انسانی					مؤلفه‌های منتخب از آثار

جدول ۴. تجزیه و تحلیل ۵ اثر منتخب از آماندا لوت. مأخذ: نگارندگان.

آماندا لوت					نام معمار
Alto University Metro Station	Central Embassy Bangkok	Oodi Helsinki Central Library	V&A Meuseum	Maat	عنوان اثر منتخب
					تصویر اثر
سیالیت، شفافیت، مقیاس انسانی، افقی‌گرایی، عناصر طبیعی، استفاده از رنگ‌های گرم، تبعیت از بستر، پویایی					مؤلفه‌های منتج از آثار

جدول ۵. تجزیه و تحلیل ۵ اثر منتخب از فرشید موسوی. مأخذ: نگارندگان.

فرشید موسوی					نام معمار
Alto University Metro Station	Zak Eureka	Carabanchel Social Housing	Ilot 19 La Defense	LA Folie Devine	عنوان اثر منتخب
					تصویر اثر
طبیعت‌گرایی، شفافیت، سیالیت، انعطاف‌پذیری، افقی‌گرایی، توجه به جزئیات خاص، نفی مرکزیت، استفاده از رنگ‌های گرم، پویایی					مؤلفه‌های منتج از آثار

جدول ۶. تجزیه و تحلیل ۵ اثر منتخب از دورت مندراپ. مأخذ: نگارندگان.

دورت مندراپ					نام معمار
Skansen Residences	Ama <sup>2</sup> r Children's Culture House	Multifunctional Sports Centre	Råå Day Care Center	The Icefjord Centre	عنوان اثر منتخب
					تصویر اثر
همسویی با طبیعت، سیالیت، شفافیت، افقی‌گرایی، مقیاس انسانی، بدون مرز بودن در بستر، نفی مرکزیت، پرداختن به جزئیات					مؤلفه‌های منتج از آثار

جدول ۷. تجزیه و تحلیل ۵ اثر منتخب از گیسو و مژگان حریری. مأخذ: نگارندگان.

گیسو و مژگان حریری					نام معمار
PreFab Folding Pod	Alvand Tower	Lavasan Villa	Cap Code Beach House	Jewles of Salsburg	عنوان اثر منتخب
					تصویر اثر
مقیاس انسانی، همخوانی با طبیعت، شفافیت، تناسب انسانی، افقی‌گرایی، مرز در بستر، پرداختن به جزئیات، انعطاف‌پذیری					مؤلفه‌های منتج از آثار



جدول ۸. تجزیه و تحلیل ۵ اثر منتخب از جین گنگ. مأخذ: نگارندگان.

جین گنگ					نام معمار
Eleanor Boathouse	Gilder Center for Science	University of Chicago Campus	Writers Theatre	University of Chicago Center	عنوان اثر منتخب
					تصویر اثر
طبیعت، شفافیت، زمینه‌گرایی، افقی‌گرایی، پویایی، پرداختن به جزئیات، مقیاس انسانی، نفی مرکزیت، انعطاف‌پذیری					مؤلفه‌های منتخب از آثار

جدول ۹. تجزیه و تحلیل ۵ اثر منتخب از آمل آندروس. مأخذ: نگارندگان.

آمل آندروس					نام معمار
Art Campuse	School of Architecture	Courtesy of Colombia Graduate School	Courtesy of Colombia Graduate School	Miami Museum Garage	عنوان اثر منتخب
					تصویر اثر
شفافیت، مقیاس انسانی، افقی‌گرایی، زمینه‌گرایی، استفاده از رنگ، پویایی، پرداختن به جزئیات خاص، عملکردگرایی					مؤلفه‌های منتخب از آثار

جدول ۱۰. تجزیه و تحلیل ۵ اثر منتخب از تاتیانا بیلپائو. مأخذ: نگارندگان.

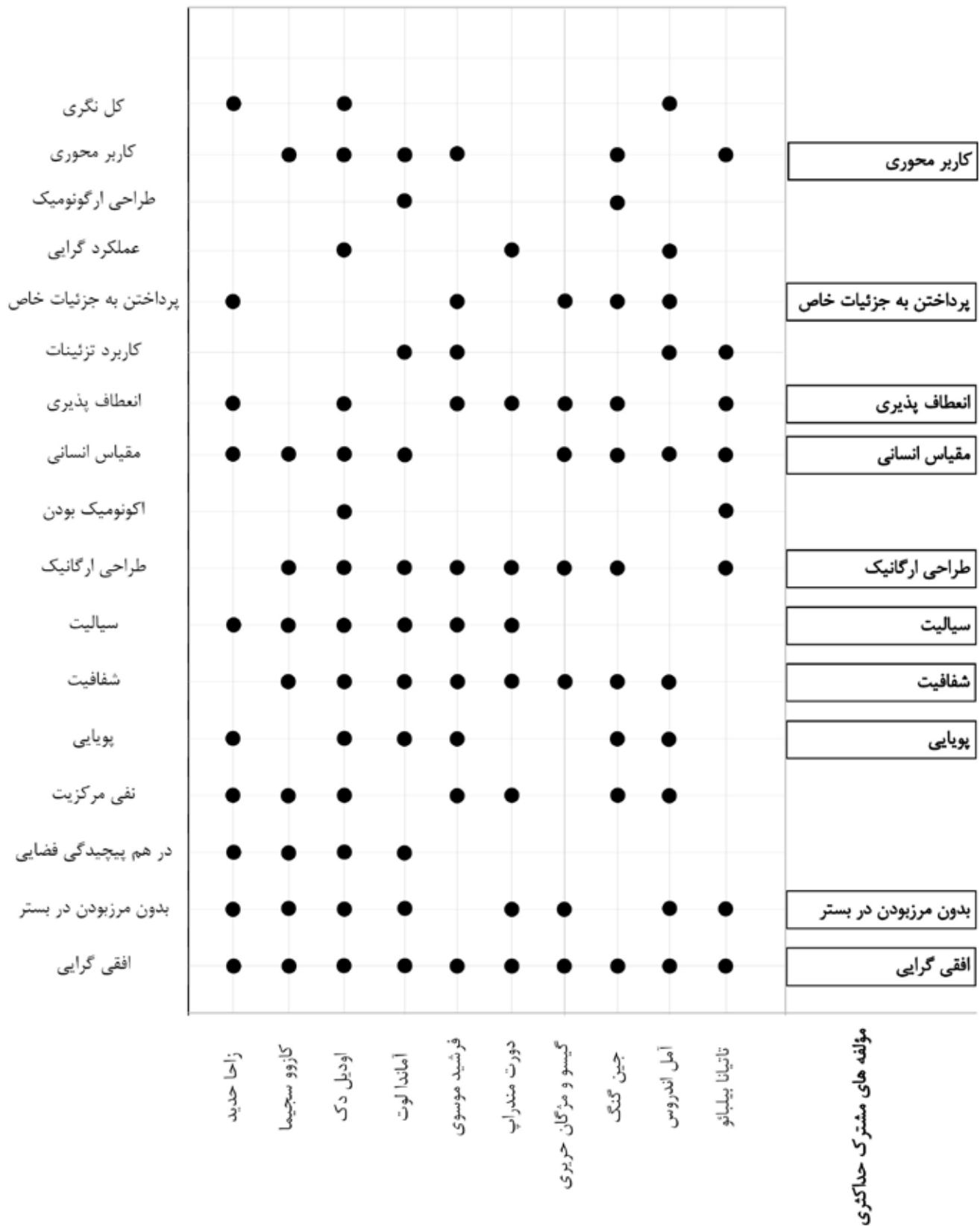
تاتیانا بیلپائو					نام معمار
Viviana Papular	Plane-Site	Reflective Holiday Home	Ventura House	Biotechnological Park Building	عنوان اثر منتخب
					تصویر اثر
طبیعت‌گرایی، افقی‌گرایی، زمینه‌گرایی، اقتصادی بودن، پرداختن به جزئیات، انعطاف‌پذیری رنگ، مقیاس انسانی					مؤلفه‌های منتخب از آثار

یک پدیده به دست آمده و بیانگر آن پدیده است. در این روش نظریه را باید کشف و از طریق گردآوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌ها آن را اثبات کرد (استراس و کوربین، ۱۳۹۰). این پژوهش می‌کوشد با استفاده از نگاهی تفسیری به مفهوم زنانگی در معماری بپردازد. از طرف دیگر آزمون دلفی یکی از پرکاربردترین روش‌های تحقیق کیفی محسوب می‌شود. در این روش پرسش و پاسخ از گروهی از خبرگان و متخصصین صورت می‌گیرد. مبنای این روش، جمع‌آوری نظرات و رسیدن به اجماع

نهایی پژوهش با پرسش از متخصصین و خبرگان با استفاده از آزمون دلفی است.

### روش پژوهش

از آنجایی که تحقیق کیفی ارتباط مستقیمی با مطالعات اجتماعی دارد، این پژوهش با همین رویکرد و با استفاده از روش زمینه‌ای به دنبال پاسخگویی به سؤالات تحقیق است. استراس و کوربین روش زمینه‌ای را تلاش برای یافتن نظریه‌ای دانسته‌اند که به طور استقرایی از مطالعه



تصویر ۴. نتیجه تجزیه و تحلیل آثار معماران زن منتخب. مأخذ: نگارندگان.

فارغ از محدودیت‌های شهرسازی و معماری موجود، مورد نظر این پژوهش بوده است. در نتیجه پرسش‌های صورت گرفته، افقی‌گرایی و بدون مرز بودن به عنوان مؤلفه‌های حداکثری به صورت خواسته و ناخواسته انتخاب شدند و معماران اذعان کردند که ترجیحشان در طراحی بر طراحی افقی و بدون مرزبندی با محیط اطراف است. از آنجایی که این پژوهش حرکتی از جزء به کل را در پیش گرفته است، هر یک از مؤلفه‌های به دست آمده را در مجموعه‌های هم‌مفهوم با آن مؤلفه قرار خواهد داد تا در نهایت به یک مدل مفهومی از معیارهای زنانگی دست یابد. با توجه به تعاریف صورت گرفته در مبانی نظری و مفهوم گیاه ریزوم، این مؤلفه‌ها به عنوان زیرمعیارهای ریزومی تبیین شدند؛ و خود معیار ریزومی ذیل معیار اصلی مادرانگی قرار گرفت. همچنین مؤلفه پویایی، که مؤلفه‌ای فضایی قلمداد می‌شود، به عنوان یک معیار مؤثر در آثار زنان معمار اعلام شد. سپس مؤلفه‌های سیالیت و شفافیت به عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار در آثار برشمرده شدند. این دو مؤلفه در این پژوهش ذیل مؤلفه‌های بصری جای گرفتند، چراکه دارای ویژگی‌های بصری تأثیرگذاری هستند و در نهایت زیرمعیارهای بصری و فضایی ذیل معیار اصلی آب‌گونگی قرار می‌گیرند. مؤلفه طراحی ارگانیک به دلیل اهمیت و ترجیح زنان معمار به عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار و ذیل شاخص طبیعت‌گرا شناخته شد که خود ذیل معیار اصلی بنیادی قرار می‌گیرد. در ادامه، بنا بر تحلیل پاسخ‌های خبرگان، مؤلفه‌های انسان‌محور بودن، انعطاف‌پذیری و مقیاس انسانی مؤلفه‌هایی جدانشدنی از اغلب آثار زنان معمار محسوب و به عنوان مؤلفه‌های کارکردی معرفی شدند. همچنین پرداختن به جزئیات خاص در آثار زنان معمار به عنوان بخشی جدانشدنی در آثارشان مشاهده شد که این ویژگی در این پژوهش ذیل معیار الحاقی قرار گرفت و هر دو این زیرمعیارها (کارکردی و الحاقی) ذیل معیار اصلی ساختاری تبیین شدند. همچنین اولویت‌بندی معیارهای یادشده توسط خبرگان جالب توجه است. از منظر معماران پاسخ‌دهنده اولویت‌بندی مؤلفه‌های مذکور به این ترتیب بیان شده‌اند: (۱) انعطاف‌پذیری؛ (۲) طراحی ارگانیک؛ (۳) انسان‌محوری؛ (۴) بدون مرز بودن؛ (۵) افقی‌گرایی؛ (۶) مقیاس انسانی؛ (۷) شفافیت؛ (۸) پویایی؛ (۹) سیالیت؛ (۱۰) پرداختن به جزئیات خاص. تنها مؤلفه غیرمشترک در تحلیل آثار زنان و خبرگان مؤلفه «نفی مرکزیت» بود که از فهرست مؤلفه حذف شد. در نتیجه در تصویر ۵ مدل مفهومی مؤلفه‌های زنانگی در معماری به همراه اولویت‌بندی معماران ایرانی قابل مشاهده است.

گروهی بین شرکت‌کنندگان در آزمون است. از آنجا که مشارکت‌کنندگان در موضوع مورد بحث، افرادی مطلع و خیره هستند، ایده‌هایی که در این روش جمع‌آوری می‌شوند بسیار سودمند خواهند بود. نتیجه اینکه روش دلفی مخصوصاً در موضوعاتی که پژوهش اندکی بر روی آن‌ها انجام شده، یا مبهم و بحث‌برانگیزند، راهگشا خواهد بود؛ مانند بررسی مفاهیمی که در این پژوهش مورد بحث و تحلیل قرار گرفته‌اند، همچون زنانگی، زنانگی در معماری و مؤلفه‌های آن. این روش در دو مرحله انجام شده است؛ در مرحله اول نظرات خبرگان موجب اصلاحاتی در پرسشنامه شده و در مرحله دوم، پرسشنامه نهایی (به صورت آنلاین) در اختیار مصاحبه‌شوندگان سؤال قرار گرفته است. جامعه آماری خبرگان در این روش معمولاً بین ۱۰ تا ۵۰ نفر است که در این پژوهش از ۲۸ نفر از معماران زن ایرانی پرسش شده است. خبرگان شرکت‌کننده همگی در حوزه معماری فعالیت داشته و آثار قابل قبولی را طراحی و اجرا کرده‌اند و غالباً برندگان جوایز معماری داخلی بوده‌اند. همچنین، پایش مؤلفه‌های ذکر شده توسط آزمون دلفی به دو دلیل دیگر نیز حائز اهمیت است. دلیل اول، همان‌طور که اشاره شد، گرفتن تأیید از خبرگان به منظور معتبر بودن مؤلفه‌های یافت‌شده بود و دلیل دوم اینکه، از آنجا که مفهوم جنسیت مفهومی فرهنگی و اجتماعی است، در جوامع مختلف تعابیر متفاوتی دارد، بنابراین، برای بررسی پایایی آن مؤلفه‌ها در ایران و همچنین بررسی بومی بودن آن‌ها، لازم بود از آزمون دلفی در این پژوهش استفاده شود. اعتباریابی برای کسب اطمینان از اعتبار پژوهش مراحل زیر انجام گرفت:

- تطبیق از سوی شرکت‌کنندگان؛ بدین صورت که نیمی از افراد مصاحبه‌شونده، تحلیل خود را از متغیرها مرور و دیدگاه‌های خود را بیان کردند و در موارد لازم پژوهشگران، با توجه به نظرات، یافته‌ها را بازبینی کردند.

- چند تن از اساتید و دانشجویان دکتری سؤالات و یافته‌های تحقیق را ملاحظه کردند و نظرات خود را به پژوهشگران دادند که اجماع آن‌ها در روند انجام پژوهش تأثیرگذار بود.

- مدارک موجود در حین انجام پژوهش، یادداشت‌های منظم و برداشت‌های میدانی از دیگر مواردی هستند که اعتبار این پژوهش را تضمین می‌کنند.

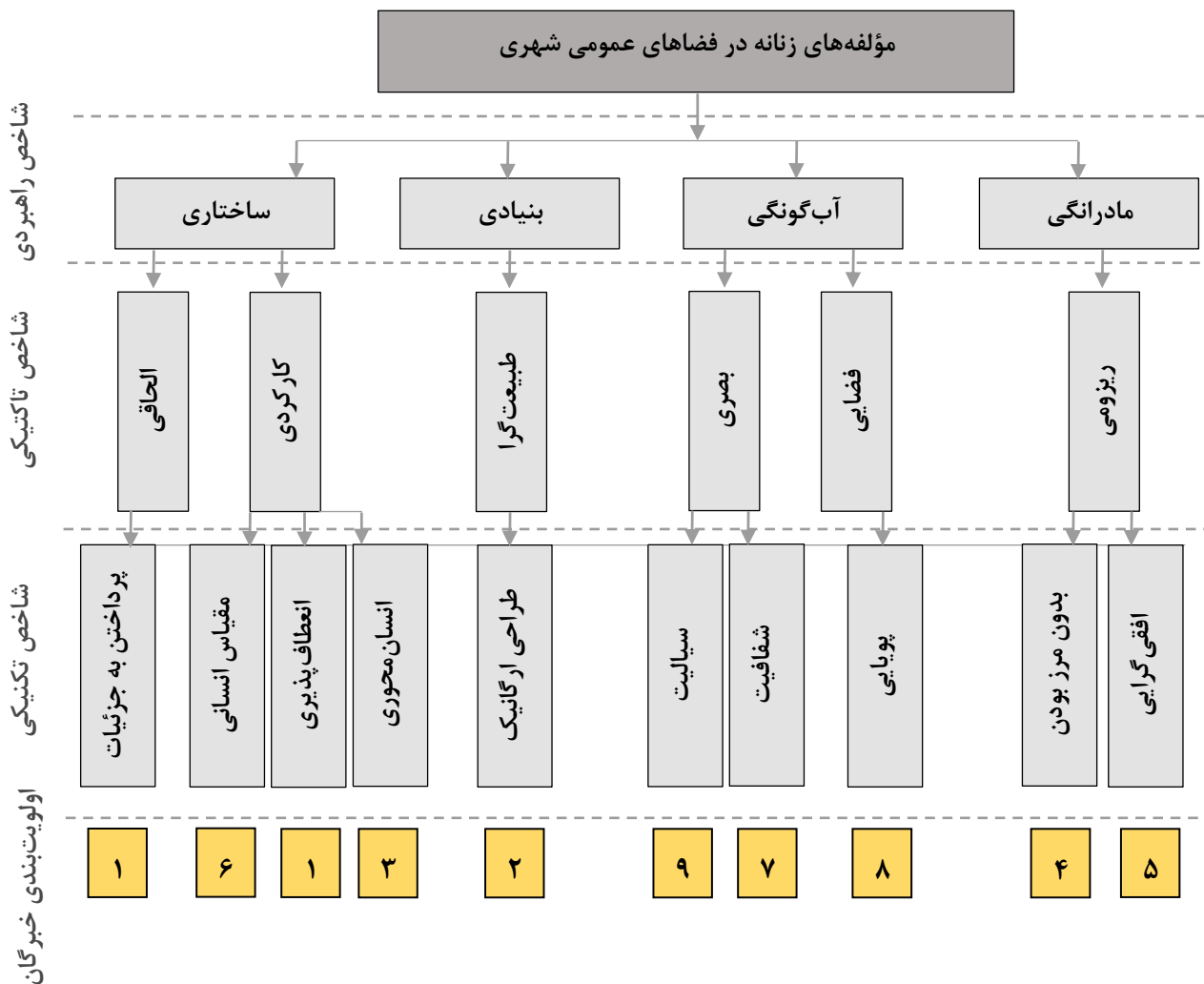
### بحث

به طور کلی، سؤالاتی که از خبرگان پرسیده شد احتمال استفاده آن‌ها از هر یک از مؤلفه‌های مذکور و ترجیحات آن‌ها را نشان می‌دهد. رویکرد و نگرش هر یک از افراد شرکت‌کننده در روند طراحی و نگرششان به حوزه معماری،

در شش دسته‌بندی اصلی و ۱۸ زیرمعیار با پرسش از ۲۸ معمار فعال زن ایرانی، این‌گونه نتیجه شد که مؤلفه‌هایی چون درهم‌پیچیدگی فضایی، نفی مرکزیت، کل‌نگری، اقتصادی‌بودن و کاربرد تزئینات از مؤلفه‌هایی نیستند که معماران زن در آثار خود استفاده کنند و یا در اصول طراحی خود به آن‌ها توجه خاصی مبذول دارند. این در حالی است که مؤلفه‌هایی چون افقی‌گرایی، بدون مرز بودن، پویایی، شفافیت، سیالیت، انسان‌محوری، مقیاس انسانی، انعطاف‌پذیری و پرداخت به جزئیات خاص از مؤلفه‌هایی هستند که اغلب معماران زن آن‌ها را در آثار خود استفاده و یا به صورت نظری از آن‌ها پیروی می‌کنند. عدم رعایت دیگر مؤلفه‌ها نیز الزاما به معنای مردانه بودن آن‌ها نیست. چه بسا فضای مردانه جامعه و همان بستر فرهنگی‌ای که به ساخت جنسیت می‌انجامد، در طراحی زنان ایرانی به عنوان معمار تأثیر گذاشته باشد یا در صورتی که آن‌ها در محیطی فارغ از بسیاری

### نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شد زنانگی یک برساخت اجتماعی است. نمی‌توان آن را به صورت امری مطلق و یا ذات‌گرایانه همچون جنس (مؤنث یا مذکر) تلقی نمود و به همین علت در جوامع مختلف تعاریف گوناگونی به خود می‌گیرد. در دوران پسامدرن مفاهیم جدیدی در تعریف زنانگی مطرح شدند. مفاهیمی همچون نفی مرکزیت، نفی سلسله‌مراتب، حرکت، طبیعت‌گرایی و یا سیالیت از جمله این مفاهیم هستند. این مفهوم در معماری نیز مطرح شد و معماری چون «زاحا حدید» به آن اعتبار بخشید. آثاری که وی خلق کرد، با بهره‌گیری از مبانی پست‌مدرنیستی، از لایه‌های غالب مدرنیسم رها شد و اصولی چون حرکت و انعطاف‌پذیری را به عنوان مهم‌ترین اصول طراحی و اسلوبی برای طراحی زنانه معرفی کرد. در این پژوهش با گردآوری مؤلفه‌های زنانه در معماری، پس از تحلیل ۵۰ اثر از آثار معماران زن مطرح امروز،



تصویر ۵. مدل پژوهشی به‌دست‌آمده تبیین‌کننده مؤلفه‌های زنانه در معماری. مأخذ نگارندگان.

### فهرست منابع

- احمدی، شکوفه. (۱۳۸۲). من یک کودک هستم، بررسی عمده‌ترین عوامل مؤثر بر خلاقیت کودک. مشهد: انتشارات موحد.
- ارجمندی، هانی و یاران، علی. (۱۳۹۵). طبیعت: عنصری زنانه، مؤلفه ایجاد تعادل جنسیتی و ارتقادهنده کیفیت فضاهای عمومی شهر. نخستین همایش بین‌المللی زنان و زندگی شهری، تهران، ایران.
- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۹۰). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های مبنا، رویه‌ها و شیوه‌ها (ترجمه بیوک محمدی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افشار نادری، کامران. (۱۳۷۹). تکنیک‌های خلاقیت. مجله معمار، (۹)، ۴-۱۲.
- بصیرت، آرش. (۱۳۹۲). پیچیدگی‌های زیبایی و معماری زنانه. ماهنامه نمایه تهران، (۸ و ۷) (ویژه‌نامه همایش زن، معماری و شهر)، ۳۲-۳۳.
- بودریار، ژان. (۱۳۸۶). اغوا (ترجمه امین قضایی). پاریس: نشر شعر پاریس.
- ترلیندن، اولا. (۱۳۹۴). شهر و جنسیت: گفت‌وگو بین‌المللی درباره جنسیت، شهرسازی و معماری (ترجمه مینوش صدوقیان زاده). تهران: کلاغ.
- توی، مگی. (۱۳۸۸). معماری زنانه و زنان معمار (ترجمه مینا مهدلو). تهران: یزدا.
- چینی، نفیسه؛ هاشمیان فر، سید علی و محمدی کنگرانی، حنا. (۱۳۹۷). برساخت‌های اجتماعی زنان از زنانگی ریزوماتیک در بستر مراکز ورزشی، آرایشی و زیبایی. مجله زن و جامعه، ۹(۳۵)، ۸۵-۱۱۶.
- خانی، فضیله. (۱۳۸۵). جنسیت و توسعه. تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خسروی، زهره. (۱۳۸۲). مبانی روان‌شناختی جنسیت. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- داندیس، دونیس. (۱۳۸۰). مبادی سواد بصری (ترجمه مسعود سپهر). تهران: سروش.
- سجادی، سید مهدی. (۱۳۸۴). فمینیسم در اندیشه پست‌مدرنیسم. مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، ۸(۲۹)، ۳۸-۷.
- علیزاده گوهری، نغمه و فروزنده، الهام. (۱۳۸۹). خلاقیت در معماری زنان: دیدگاهی بر پایه پژوهش‌های روان‌شناختی. زن و فرهنگ، ۲(۳)، ۵-۱۵.
- فرزانه، فرانک. (۱۳۹۰). درآمدی بر تعامل مفاهیم جنسیت و فضا. صفا، ۲۱(۵۳)، ۹۹-۱۱۰.
- رکنی لموکی، محمد تقی. (۱۳۸۵). بنیادهای فمینیسم، چالش‌های پیش رو. مریبان، (۲۰)، ۵۳-۸۶.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر مطالعات زنان. تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.

از محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی قرار گیرند، برخی از مؤلفه‌های معرفی‌شده به صورت تدریجی در آثارشان پدیدار شوند و یا اینکه ابعاد جدیدی از وجود خویش را در آن‌ها کشف و نمایان سازند؛ بنابراین در پاسخ به سؤالات پژوهش می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که زنانگی در آثار معماران زن ایرانی می‌تواند به عنوان کلیدی برای طراحی و ارائه فضاهایی مطلوب زنان قلمداد شود و برای آن‌ها مناسب «تر» باشد و به فضا لحنی زنانه ببخشد، زیرا، همان‌گونه که اشاره شد، به‌دست آوردن مؤلفه‌های زنانگی به معنای نفی مردانگی نیست، بلکه بعضاً مکمل آن و حاوی تفاوت‌هایی اندک اما حائز اهمیت است. با امید به اینکه چنین پژوهش‌هایی بتواند تأثیراتی عدالت‌محورانه در حوزه معماری و شهرسازی داشته باشد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. Deleuze
۲. Guattari
۳. Rhizome؛ ریزوم از ریشه یونانی Rhiza به معنی ریشه و ساقه زیرزمینی برخی گیاهان است که غده‌هایی در آن‌ها آشکار می‌شود و ریشه‌های آن به صورت خودرو، در بخش زیرین این گیاه می‌روید. این گیاه به گفته دلوز بی‌ریشه است، فاقد ساختار است، زندگی بی‌منطق دارد و این بی‌منطقی نوعی ابهام است؛ به بیانی دیگر ریزوم دارای منطقی است که به‌راحتی قابل درک نیست همان‌طور که تا به حال کسی نتوانسته برای فرم دانه‌های برف قاعده یا الگویی خاص معرفی کند و این موضوع دلیل بر بی‌منطقی دانه‌های برف نیست. از نظر دلوز، ریزوم نه آغاز و نه پایان دارد و همواره در میانه و بینابین است.
۴. Goffman
۵. Raymond Boudon
۶. Michel Crozier
۷. Baudrillard
۸. Jacques Derrida؛ ژاک دریدا (زاده ۱۵ ژوئیه ۱۹۳۰ - درگذشته ۸ اکتبر ۲۰۰۴) فیلسوف الجزایری تبار فرانسوی و پدیدآورنده فلسفه‌سازی است. نظریه‌های وی در فلسفه پست‌مدرن و نقد ادبی تأثیر فراوانی گذاشت.
۹. Deconstruction (ساختارشکنی)
۱۰. Friedrich Wilhelm Nietzsche؛ فریدریش ویلهلم نیچه (زاده ۱۵ اکتبر ۱۸۴۴ - درگذشته ۲۵ اوت ۱۹۰۰) فیلسوف، شاعر، منتقد فرهنگی، آهنگساز و فیلولوژیست کلاسیک بزرگ آلمانی و استاد لاتین و یونانی بود که آثارش تأثیری عمیق بر فلسفه غرب و تاریخ اندیشه مدرن بر جای گذاشته است.
۱۱. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: <http://vista.ir/article/310718>
۱۲. Luce Irigaray
۱۳. Zaha Hadid
۱۴. Toy
۱۵. Hegel's spirit of the times
۱۶. Eileen Gray
۱۷. Lucy Hillebrand
۱۸. Itsuko Hasegawa
۱۹. Kazuo Sejima
۲۰. Odile Decq
۲۱. Amanda Levet
۲۲. Dorte Mandrup
۲۳. Jeanne Gang
۲۴. Amale Andraos
۲۵. Tatiano Bilbao

- Baer, J. (2005). *Gender and creativity. Paper presented at the Annual Meeting of the American Psychological Association*. Washington, DC, USA.
- Ihab, H. (1985). The culture of postmodernism. *Theory, Culture and Society*, 2(3), 119-131.
- Kennedy, M. I. (1981). Towards a rediscovery of feminine principals in architecture and planning. *Woman's Studeies Int.*, 4(1), 75-81.
- Zalewski, M. (2000). *Feminism after Post-Mdernity: Theorizing through Practice*. London and New York: Routledge.

- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۵). *از جنیش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم*. تهران: شیرازه.
- نرسیسیانس، امیلیا. (۱۳۸۳). *مردم‌شناسی جنسیت (ترجمه بهمن نوروززاده)*. تهران: نشر نقد افکار.
- یعقوبی، علی. (۱۳۹۳). *نظریه‌های مردانگی با تأکید بر رویکردهای جامعه‌شناختی*. تهران: پژوهاک.
- یعقوبی، علی و مقدس یزدی، هانیه. (۱۳۹۵). *دختران دانشجو و سنخ‌شناسی زنانگی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه گیلان)*. زن در توسعه و سیاست، ۴۱(۴)، ۵۱۳-۵۳۳.

**COPYRIGHTS**

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



## نحوه ارجاع به این مقاله

باران، علی و ارجمندی، هانی. (۱۳۹۹). تبیین مؤلفه‌های زنانگی برگرفته از آثار زنان معمار ایرانی. *باغ نظر*، ۱۷(۹۱)، ۸۱-۹۴.

DOI: 10.22034/bagh.2020.172035.4013

URL: [http://www.bagh-sj.com/article\\_118624.html](http://www.bagh-sj.com/article_118624.html)

